بازتاب تصویری هنر اسلامی در مسجد جامع ارومیه
(بررسی تزئینات محراب مسجد جامع ارومیه)

مریم متفکرآزاد[1]*، سحر ذکاوت[2]

۱- دانشجوی دکتری هنراسلامی، عضو هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد. گرایش کتابت و نگارگری

m.motafakker@tabriziau.ac.ir

چکیده

هنر ایران اسلامی یکی از شاخص ترین و بارزترین نمونه های هنر اسلامی محسوب می شود. اولین و مهمترین محل بروز و نمود هنر ایرانی- اسلامی، معماری است. مساجد به عنوان یکی از مکانهایی که همواره نمود مذهبی اسلام و به ویژه ایرانیان بوده مطرح می باشد. در این میان به دلیل ارزش و اعتبار مساجد و مذهب در ایران همواره آراستن مساجد یکی از دغدغه های مهم هنرمندان و مردم بوده است. مسجد جامع ارومیه و محراب زیبای آن همانند بیشتر مساجد جامع در سرتاسر ایران از جمله یکی از شاهکارهای معماری ایرانی–اسلامی می باشد. در این تحقیق بر آن هستیم تا به معرفی این مسجد و تزئینات به کار رفته در معماری آن بویژه محراب آن بپردازیم. این پژوهش در پی پاسخ به این سئوال اساسی می باشد که کدامین ویژگیها و تزئینات در محراب مسجد جامع ارومیه به کار رفته است. با توجه به بررسی های انجام گرفته می توان گفت مسجد جامع ارومیه را می توان از بناهای دوره سلجوقی دانست. از جمله عناصر سازنده این بنا می توان به شبستان گنبد دارقدیمی، محراب موجود در داخل شبستان گنبد دار و سایر بخشها اشاره کرد. این مسجد محراب زیبای گچبری دارد که جزء قدیمی ترین، پرکار ترین و بزرگترین محراب های گچبری ایلخانی بوده است. محراب مسجد در زمان ایلخانان ساخته شده و در ضلع جنوبی شبستان قرار گرفته است. با توجه به محراب زیبای این مسجد و تزئینات به کار رفته در آن از جمله، نوع خط، تزئینات خط و تاریخهای ذکر شده در برخی از تزئینات و کتیبه ها می توان به سیر تاریخی مسجد پی برد. محراب مسجد جامع ارومیه با عنصر گچ و نقوش و عناصر سنتی چون اسلیمی، ختایی وکتیبه تزئین یافته است.

واژگان کلیدی: معماری، مسجد جامع ارومیه، محراب، گچبری، تزئینات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- اهداف

- شناخت و معرفی یکی از هنرهای اسلامی (مساجد بزرگ اسلامی – ایران)دوران ایلخانان مغول
- شناخت تزئینات وابسته به معماری اسلامی و کاربرد آنها در محراب مسجد جامع ارومیه

۲- سوالات

- ویژگی‌ها و عناصر سازنده مساجد ایران کدام موارد هستند؟
- مسجد جامع ارومیه دارای چه ویژگیهایی بوده و تزئینات محراب آن شامل چه مواردی می شود؟

۳- مقدمه

آموزه های دین مبین اسلام در سرزمینهای مختلف اسلامی و به ویژه ایران اسلامی در قالبهای مختلف بروز و نموده یافته که برخاسته از اعتقادات عمیق قلبی هنرمندان مسلمان بوده است. ارتباط باطنی بین ضمیر پاک هنرمند مسلمان با آموزه های ناب اسلامی موجب شکوه و جلال هر چه بیشتر هنر اسلامی در سرزمینهای اسلامی بوده است. اولین تجلی دین مبین اسلام در عبادت بندگی خداوند متعال می باشد. نیاز مسلمانان به محل انجام فرایض دینی (اعم از مکان آموزش فرایض دینی و یا عبادت) و بیان شکوه و جلال آن موجب توجه به هنر معماری به عنوان بخش مهمی از هنر اسلامی بوده است. بعد از شکل گیری معماری اسلامی و توجه به عنصر تزئین این اماکن همواره از مهمترین امور دینی و باطنی هنرمندان مسلمان بوده است. علاقه و ارتباط قلبی بین دین مبین اسلام و باطن پاک هنرمندان موجب ایجاد شاهکارهای عظیم هنری شده است. در بین معماری اسلامی، ساخت مسجد به عنوان مکان تجلی بندگی در برابر معبود و تزئین و آراستن انها در صدر امورات هنرمندان مسلمان بوده است. در طول ادوار مختلف آثار معماری و به ویژه مساجد بسیاری در سرزمینهای مختلف اسلامی شکل گرفته اند. از آن جمله می توان به قبه الصخره، مسجد النبی و... اشاره کرد. در ایران اسلامی با ورود دین مبین اسلام و ارتباط عمیق قلبی بین روح پاک مردمان این سرزمین با آموزه های ان علاقه به ساخت مکانهای مذهبی و و از ان جمله مساجد دو چندان دیده شده است. از آن رو که ایران سرزمینی با سابقه تاریخی و هنری بزرگی می باشد همواره دارای پیشینه هنری از دوران ساسانی بوده است. از آمیزش بین عناصر هنری دوران ساسانی و هنر سرزمینهای اسلامی هنری ناب و با شکوه در ایران اسلامی به وجود آمد که نمود آن را در حوزه معماری اسلامی، در ساخت مساجد، مدراس، کاروانسراها و... به وفور می توان دید. بنابراین پرداخت به معماری مساجد در حیطه ایران اسلامی و بررسی سنجیده عناصر و موتیفهای مورد استفاده در ساخت بناها و به ویژه مساجد و تزئین انها همواره کمک شایانی در جهت شناخت روح و باطن هنر اسلامی خواهد داشت.

مسجد جامع ارومیه به عنوان یکی از شاهکاریهای هنری دوران ایلخانان مغول به شمار می آید. این مسجد همانند سایر مساجد اسلامی –ایرانی دارای عناصر و بخشهای بسیاری بوده که در میان آنها محراب گچبری باشکوه آن همواره زبانزد همگان بوده است. این محراب عظیم همانند محراب سایر مساجد با شکوه دوران ایلخانان مغول دارای تزئینات اسلیمی و ختایی و کتیبه با خوشنویسی اسلامی بوده است.

۴- روش تحقیق

این پژوهش به شیوه اسنادی و کتابخانه ای گردآوری شده و به شیوه توصیفی- تحلیلی تنظیم و تدوین یافته است.

۵- پیشینه تحقیق

مطالعه و تحقیق در باب هنرهای اصیل ایرانی همواره توسط پژوهشگران بزرگ و توانای ایرانی صورت پذیرفته است. در این باب می توان به چند مقاله مرتبط با موضوع مورد مطالعه اشاره کرد. در کتاب "معماری و تزئینات آن" به بررسی مناطق جغرافیایی و تاریخی و بناهای دوران اسلامی پرداخته شده و معماری و تزئینات وابسته به آن از جمله تکنیکها و موضوعات آن مورد بررسی قرار گرفته است.(اولگ گرابر،۱۳۷۵)در مقاله ای تحت عنوان "مطالعه تطبیقی نقوش گیاهی گچبری های کاخ تیسفون با اولین مساجد ایران(مسجد جامع نائین، مسجد جامع اردستان، مسجد جامع اصفهان)" در این پژوهش به بررسی نقوش گیاهی در گچبری های دوران ساسانی پرداخته شده و در سه نمونه از مساجد ایران مورد بررسی قرارگرفته است. در این راستا هنر گچبری در دوره اسلامی و سبک هنری نقوش گچبری در معماری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار گرفته است و در نهایت نمونه هایی از آثار گچبری دوران اسلامی چون مسجد جامع نائین، مسجد جامع اردستان و.. مورد بررسی قرار گرفته اند.(اعظمی و دیگران، ۱۳۹۲)

۶- هنراسلامی و ویژگی‌های آن

هنر اسلامی هنر ناب و الهی بوده که دارای ویژگیهای منحصر به فردی می باشد. آنچه که هنر اسلامی نامیده می شود، به عبارتی شیوه و روش ابداعی خود تمدن هاست که با تفکر خودشان قابل تطبیق بوده و به صورت مکتوب و یا تجربی به اثبات

رسیده است.(البهنسی، ۱۳۸۷، ص۹)" هنر اسلامی به طور کلی می کوشد تا محیطی به وجود آورد که در آن انسان بتواند وزن و وقار فطری اولیه خود را بازیابد...نظامی را جایگزین آن می سازد که مبین تعادل و آرامش و صلح است و از این امر می توان به اهمیت اساسی و مرکزی مفاهیم و مضامین و پیام ها در هنر اسلامی پی برد... بنابرین هنرمند هنر اسلامی می کوشد تا فضایی به وجود آورد تا کلیه صفات و کیفیات مقامات معنوی را متجلی سازد و از آن طریق انسان را به مشاهده و شهود سوق دهد."(برند،۱۳۸۳،ص۶)

هنر اسلامی در دو بخش اساسی یعنی بناها و هنرهای تزئینی قابل تفکیک می باشد، بخش اول بناها یا معماری اسلامی که بیشتر به صورت مساجد، مقابر، مدارس،کاروانسراها، اماکن مقدس و نیز بازار دیده می شود. بخش دوم هنرهای تزئینی که بیشتر در نگارگری، خوشنویسی، هنرهای صناعی(صنایع دستی) و موسیقی دیده می شود. (یاوری، ۱۳۸۸، ص۱۱۷)

۷- تعریفی از مسجد و تاریخچه معماری مساجد در ایران

از ابتدای ظهور دین مبین اسلام وجود مکان و مرکز انجام عبادات و بیان مفاهیم ناب دین اسلام ضروری می نمود. ساخت مساجد در تمامی سرزمینهای اسلامی و به ویژه ایران از جمله یکی از نمادهای عینی احکام اسلامی می باشد. کلمه مسجد (سجده گاه) دارای منشاء پیش از اسلام در عربستان بوده است. مساجد در اوایل اسلام به عنوان محل سجده و تالار اجتماعات، اقامتگاه مسلمانان، گردهمایی های سیاسی، محل تدریس دروس مذهبی کاربرد داشته اند. اولین مساجد صدر اسلام چه از نظر ساختمان و چه از نظر وسایل مورد استفاده در آنها بسیار ساده بوده اند، متشکل از یک بنای چهار گوش بوده، ولی در دوره های بعد مسلمانان توجه بیشتری به مساجد نشان دادند و بر مساحت و تزئینات آنها افزودند. معمولا بزرگترین و مهمترین مساجد شامل یک صحن بزرگ و روباز هستند که گرداگرد این حیاط چهار رواق بر ستونهایی برافراشته شده اند که رواق رو به قبله بسیار وسیع است و محراب و منبر در آن قرار دارد، این رواق را حرم، شبستان می نامند.

در ایران نیز با ورود دین مبین اسلام در کنار ساخت بناهای دیگر، توجه به ساخت مساجد و تزئین آنها رواج یافت. به نحوی که "ایران اسلامی، معماری نوینی را مبتنی بر دو عامل معنوی و فکری نیرومند، که از یک سو ملهم از معماری و هنر قدسی گذشته ایران(به ویژه هنر دوره ساسانی) و از سوی دیگر روح حاکم بر تعالیم و معنویت اسلامی بود، بیان نهاد و در این قلمرو مهمترین مصداق معماری خود را علاوه بر مدارس، تکایا، آرامگاهها، حسینیه ها، و مصلی ها که نیز هویت مذهبی داشتند، مسجد قرار داد." (بلخاری،۱۳۸۸، ص۷۸) ساختار مساجد در ایران عبارت است از صحن مستطیلی که سلسله طاقهایی در اطراف دارد و شبستانی که به کمک ستون های متعدد سقف آن را پوشانده اند. دیری نپایید که نقشه مساجد اولیه در معماری متداول ایران به کلی منسوخ و مسجد اصیل ایرانی، مسجد چهار ایوانی، جانشین آن شد.

در طول تاریخ "مسجد، اولین مکانی بود که هنرمند به خلاقیت در آن همت گماشت ... مردم در صدد ایجاد ارتباط صور معماری و روش های هنری با مفاهیم فکری و عقیدتی خود برآمدند... بدین ترتیب طبیعت معماری و هنر جدید اسلامی شکل گرفت که در ابتدا از مسجد، حرکت آن آغاز شد و سپس بدون درنگ، به صورت شکل های ابداعی مختلفی مانند خط، تصویر و همچنین به صورت اشکال معماری، مثل مدرسه، مهمانخانه، بیمارستان و کاروانسرا و ... گسترش و توسعه یافت."(عفیف البهنسی، ۱۳۸۷ ،ص۱۱)

۸- عناصر ساختاری و زیبایی شناختی مساجد ایرانی

در معماری مساجد ایرانی در هر ناحیه ای با وجود عناصر مشترک روش معماری خاصی به چشم می خورد. روبرت هیلن برند در مقدمه کتاب معماری اسلامی خود درباره مسجد می گوید" مسجد در قلب معماری اسلامی قرار دارد. مسجد نمادی در خور از ایمانی است که در خدمت آن می باشد. از همان آغاز نقش نمادین آن از سوی مسلمین دریافته شده و این نقش سهم خود را در خلق شاخصهای بصری مناسبی برای این بنا باز کرد که از آن میان می توان به شاخص هایی نظیر گنبد، مناره و منبر اشاره نمود" (بلخاری،۱۳۸۸ ،ص۱۱۶) از جمله عناصر می توان به محراب/ مناره۱/ منبر۲/ گنبد۳/ ایوان۴

در مساجد ایرانی به دلیل ارزش و اعتبار نهادن به این جایگاه مقدس همواره تزئینات گیاهی زینت بخش بخشهای مختلف مساجد بوده است. از آنجا که مسلمانان استفاده از مجسمه سازی و صورتگری در مساجد را تحریم کردند، بنابراین این بناها با ستونها، کاشی، تزئینات هندسی و گیاهی، مقرنسها، سرستونها و قندیلهایی از طلا و نقره تزئین یافتند. دو عنصر اساسی مورد

استفاده در تزئینات مسلمانان، به ویژه مساجد اسلامی: شکلهای هندسی، شکلهای گیاهی می باشند. علاوه بر آن استفاده از خطوط نیز در تزئینات مسلمانان رواج داشته است و مهمتر از همه عدم استفاده از تصویر موجودات زنده، چرا که در هنر اسلامی از تصویر کردن انسان و حیوان، مخصوصا در جایگاههای عبادی دوری جسته است. البته برخی از هنرمندان مسلمان بر روی شکلهای حیوانی تغییرات داده و به صورت تزئینی در آوردند(تصویر کرکس به شکل برگهای دندانه دار) در نهایت می توان گفت که مهمترین جلوه هنر اسلامی در معماری، شهرسازی و هنرهای زیبا جلوه نمود.(حاتم،۱۳۷۸، ص۲۰)

۹- ویژگی‌های مساجد دوران سلجوقی و ایلخانی

در حدود نیمه دوم قرن ۵ ه.ق عصر سلجوقی ساختمان مساجد مهم ایرانی تشکیل شده از بناهای بزرگ مربع شکل آجری با پوشش گنبدی که رو به سمت قبله بوده تشکیل می داده و غالبا ایوانی متناسب هم در جلوی بنا بر آن می افزودند. چنین ایوانی با گنبد پشت آن در طرف قبله مسجد قرار می گرفت. در وسط جبهه ی هر یک از جوانب دیگر صحن مسجد هم ایوانی احداث می کردند. در فواصل بین ایوانهای چهارگانه در اطراف حیاط نیز طاق ها و شبستان های مختلف می ساختند. سبک چهار ایوانی، در واقع از توسعه و تکمیل چهار طاقی ساسانی منزل های خراسانی به وجود آمد. از این دوره به بعد، حیاط مرکزی و چهار ایوان در اطراف آن اساس معماری بناهای مذهبی ایرانی را تشکیل می دهد.(یاوری،۱۳۸۸، ص۱۳۵) معماری عهد ایلخانی با مجموعه ای از شاخص های مهندسی و تزئینات بنا معرفی می شود که از دوره سلجوقی کاملا متمایز بوده و قابل تشخیص و تفکیک است. از جمله آنها عبارتند از: پیوستگی مناره ها به کالبد مسجد و ابنیه دینی/ تاکید بر بالاگرایی و رفعت و عظمت بنا / توسعه پلان متقارن چهار ایوانی/ توسعه ساخت مجموعه های معماری؛ له وبژه مجموعه های دینی/ افراشتن گنبدهای ساقه بلند / توسعه تزئینات کاشی کاری معرق/ توسعه تزئینات گچبری.(آجورلو،۱۳۸۹، ص۴)

۱۰- توسعه تزئینات گچبری در دوران سلجوقی و ایلخانی

"تزئینات بناها و استفاده از عناصر تزئینی در معماری اسلامی همواره وجود داشته است. در این میان گچبری نیز به عنوان یکی از هنرهای تزئینی، از اهمیت وِیژه ای برخوردار است. به ویژه با توجه به قابلیتهای ویژه گچبری می توان شاهد استفاده از نقوش متنوع در گچبری بود".(سجادی،۱۳۶۷، ص۲۰۰) گچ از جمله مصالح ساختمانی است که در تمامی ادوار تاریخی در معماری ایران استفاده شده است. از آنجایی که از مصالح ارزان قیمت بوده و زود سفت می شود دارای کاربردهای متعددی بوده و مورد توجه معماران بوده است. گچبری برای آراستن سطوح داخلی بناها، نوشتن کتیبه ها، تزئین محرابها، زیر گنبدها، و ایوانها به کار می رفته است. بسیاری از بناهای عصر سلجوقی و ایلخانی با گچبری آراسته شده اند."(کیانی، ۱۳۷۹،ص۲۵)

"زیباترین و پیچیده ترین گچبری ها (۱) در زمان سلجوقیان انجام گرفته است. در این عصر با کتیبه هایی که نقشهای مفصل و پرکاری داشتند، اطراف محراب را می پوشاندند...طرحها از نقوش اسلیمی، نقش مو و تاک و برگهایی که سوراخ شده و شکل لانه زنبور را به خود گرفته بودند، تشکیل می شد." (عبداللهی،۱۳۷۷، ص ۷۳۸). در این دوران بعضی از عناصر نقشمایه ها گیاهی تزئینی نظیر نخل و آذین گلسرخی به تدریج محو شد و جا را برای بهره گیری از آرایش برگ کنگره ای و گلهای نیلوفر و به ویژه تاک باز کرد. نقشهای هندسی از فرمهای ساده به اشکال کثیر الاضلاع بدل گردید و به شکل طرحهای مینوتکاری ظریفی به کار رفته و آژده کاری نیز به اشکال متنوعی برروی موتیفها اجرا گردیده است. (مکی نژاد،ص۱۵۶).

تحول در تزئین ابنیه نقطه انتقال معماری سلجوقی به ایلخانی است. توسعه و گسترش تزئین بناهای دوران ایلخانی از ویژگیهای بناها و عناصر ساخته شده آنها در این دوران می باشد. در معماری دوران ایلخانی تاکید بر تزئین بنا شده است.(آجورلو،۱۳۸۹، ص۶) گچبری و کاشی کاری دو عنصر اولیه زینت در بناهای ایلخانی اند، که نمونه اعلای آن گنبد سلطانیه است. سبک معماری این دوره مستقیما از سبک آثار ساختمانی دوره سلجوقی اقتباس شده و به علت پیشرفت فنون و نقوش در دوره سلجوقی مسئله عمده در این عهد، ترکیب نقوش، اجراهای ظریف و پرکار و تلفیق این ترکیبات تزئینی با اجزای ساختمانی بود. در اواخر دوران سلجوقی(قرن ۶ هجری) به علت پیشرفت فنون گچبری، گچبرها موفق به ابداع نقوش گچبری مطبق(چند طبقه)و در هم پیچیده و گچبری مجوف(توخالی) شده اند.(مکی نژاد، ۱۳۸۷، ص۱۵۹) استفاده از گچبری علاوه بر بخشهای بسیاری از مساجد، در محراب نیز کاربرد فراوانی داشته است اوج شکوه هنر گچبری دوران ایلخانی را باید در محرابها

جستجو کرد. صنعت محراب سازی عصر ایلخانی از دو عنصر تزئین کاشی کاری و گچبری بهره گرفته است. در تزئینات محراب از هنرهای بسیاری استفاده شده که از جمله آن گچبری بوده است.

۱۱- معرفی مسجد جامع ارومیه به عناون یکی از مساجد دوران سلجوقی

تصویر۱: نمای بیرونی مسجد جامع ارومیه.

مسجد جامع ارومیه که تاریخی ترین بنای شهر ارومیه به شمار می آید، در محدوده بازار بزرگ سرپوشیده قدیمی ارومیه و در حاشیه شرقی آن، میان خیابان اقبال و بازار قرار گرفته است. مسجد جامع با دو در ورودی به راسته سنگ تراشان و بازار عطاران راه داشته که از صحن بزرگ آن منشعب می شده است.

از سازنده و تاریخ دقیق ساخت بنای مسجد اطلاعی در دست نیست. "باور غالب بر آن است که این بنا پیشتر معبدی قدیمی بوده که به مسجد تبدیل شده است، بر این اساس گروهی آن را آتشکده ای زرتشتی، گروهی کلیسا و عده ای مسجدی قدیمی تر دانسته اند.(اشتری،۱۳۹۲،ص۷)

در این باره با توجه به شواهد گروهی معتقدند که این ساختمان قبلاً کلیسا بوده است، در این صورت باید محرابی رو به غرب داشته باشد که نیست، یعنی آثار محراب کلیسا دیده نمی شود، بعضی می گویند این بنا از اول مسجد بوده، در این حالت نیز می بایست محرابی داشته باشدکه ندارد، و جای محراب کنونی محل در این معبد در گذشته بوده، خود نویسنده (محمد تمدن) در این باره کاوش کرده و درب حقیقی معبد را در ۲ متری زیرزمین پیدا کرده است و این می رساند که به مرور زمان محل این معبد به اندازه ی ۲ و ۲/۵ متر پر شده است ... از پشت دیوار محراب فعلی آثار در واقعی آن به چشم می خورد که در سمت چپ در مزبور گودالی به طول ۱/۵ متر و به عرض ۲۰ سانتیمتر موجود است که در این گودان سنگی که با خط میخی یا پهلوی حجاری شده بود، نصب بوده که در بین سالهای ۱۲۲۹ شمسی میسیون های خارجی با پرداخت وجهی به صاحبخانه پشت معبد ، آن را کنده اند و برده اند.

در مورد تاریخ دقیق ساخت بنای مسجد جامع ارومیه و به ویژه محراب آن می توان گفت: مجموعه ی بنای کنونی مسجد با بخشهای مختلف قدیمی و جدید، به مرور زمان در اطراف هسته ی اولیه ی بنا – شبستان گنبد دار- ساخته شده است که با توجه به مدارک و شواهد به نظر می رسد که بنای اولیه ی آن مربوط به دوره ی سلجوقی باشد. با توجه به شواهد معماری نخستین سازه از مجموعه مسجد که گنبد خانه بود، در دوره سلجوقی ساخته شده است؛ بنابراین می توان آن را از بناهای دوره سلجوقی دانست.(اشتری، ۱۳۹۲،ص۷).

تصویر۲: ایوان ورودی مسجد جامع ارومیه

عده ای نیز تاریخ بنای مسجد را با تاریخ محراب -۶۷۶ ه .ق – یکی می دانند، اما با توجه به این که محراب حاضر بر روی محراب قدیمی تری بنا شده و خود بنا نیز باید قدیمی تر از محراب باشد، به نظر می رسد که تاریخ دوره ی سلجوقی معقول تر باشد. در ادوار مختلف، بنای این مسجد تعمیر و بازسازی شده یا الحاقاتی بدان صورت گرفته است. از جمله در سال ۱۱۸۴ ه .ق به دستور رضا قلی خان بیگلر بیگی افشار و حاکم ارومیه، تعمیراتی در این مسجد به عمل آمد .

این مسجد شامل قسمت های مختلف می‌باشد که عبارتند از : ۱- شبستان گنبد دارقدیمی ۲- محراب موجود در داخل شبستان گنبد دار ۳- چهل ستون قدیمی متصل به شبستان گنبد دار ۴- حجره های قدیم اطراف صحن مسجد ۵- قسمت های نوسازاطراف صحن

شبستان گنبد دار مربعی شکل: هسته ی اولیه و قدیمی مسجد است که در اصل از سه طرف ورودی هایی داشته که در دوره ی بعد، محوطه های ستون داری به آن الحاق گردیده است. این شبستان به خاطر گنبد خوش ترکیب، عظمت و ارتفاع، عرض دهانه، تقسیم بندی خارجی و حجم فضای داخلی، بویژه به جهت داشتن محراب گچبری ارزشمند بسیار مهم و در خور توجه و بررسی است.

بیشتر قسمت های داخلی شبستان سفیدکاری شده و در یک قسمت آن کتیبه ی جدیدی است که دارای زمینه ی سیاه است. علاوه بر این ۳ کتیبه دیگر مربوط به تعمیرات بنا بر روی دیوار ها نقش شده است. یکی از این کتیبه ها مربوط به زمان فتحعلی شاه و دیگری به تاریخ ۱۳۰۳ ه .ق و سومی مربوط به سال ۱۳۴۹ است. در پایین گنبد، کتیبه ای به خط کوفی(۵) نوشته است که به نظر میرسد همزمان با کتیبه ی تاریخی محراب ۶۷۶ ه.ق باشد.

تصویر۳: شبستان و ستون‌های داخلی آن

چهل ستون قدیمی متصل به شبستان گنبددار: در ضلع جنوبی صحن و متصل به شبستان گنبد دار، شبستانی با ستون های سنگی نسبتاً قطور و طاق گنبد آجری وجود دارد که با دو ورودی بر شبستان اصلی ارتباط پیدا می کند و کف آن از سطح صحن پایین تر است. ورودی بزرگ آن در نزدیکی شبستان گنبددار قرار گرفته و با مقرنس های گچبری شده ، تزیینات گچی رنگ آمیزی شده به اشکال ترنج و سر ترنج و کاشی های خشتی هفت رنگ تزیین شده است.

محراب: معنای امروزین محراب که در کتاب های تاریخ نگاران و اذهان مسلمان نقش بسته عبارت است از: فضای فرو رفته ای در دیوار مسجد، برای نشان دادن جهت قبله که در اثنای نماز جماعت ویژه ی امام است. قبله در لغت به معنای سمت و جهت است و در مسجد به محراب یا دیواری گفته میشود که به سوی مکه مکرمه است." (عبداللهی، ۱۳۷۷، ص ۷۰۲) تاریخ استفاده از محراب دقیق مشخص نیست. "طاقچه یا فرورفتگی در دیوار که بدان محراب گفته می شود بی چون و چرا از پدیده های هنر مقدس اسلامی است و در عمل از عوامل عادی آداب دینی شده است....مورخان هنر بر آنند که این عامل در زمان ولید بن عبدالمللک خلیفه اموی به ویژه هنگامی که آن خلیفه به کار تجدیدی ساختمان مسجدالنبی در مدینه دست برد به معماری مسجد راه جست." (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص۹۶-۹۷)

"در تعریف محراب نزد تاریخ نگاران مسلمان در مصباح المنیر آمده است : می گویند محراب از کلمه ((محرابه)) گرفته شده است، زیرا نماز گزار به سبب حضور قلب با شیطان و هوای نفسش مبارزه و محاربه می کند."(عبداللهی، ۱۳۷۷، ص۶۹۵)اساس ساختن محراب به مظاهر یاد شده در قرآن مجید می رسد. شکل آن با طاقهای نمودار آسمان و کف آن بر زمین طاقچه با فرورفتگی همانند غار دنیا است. غار دنیا "مظهر" الوهیت است، خواه در جهان بیرونی یا جهان درونی، یا غار مقدس دل. .. (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص۹۷)" واژه محراب به تنهایی به مفهوم "پناهگاه" است.

روبرت هیلنی درباره محراب می گوید:" بدون تردید این محراب است که قانون طبیعی نمادگرایی مذهبی را در معماری مسجد تشکیل می دهد و برای آن کیفیتهای خاصی را قائل هستند: مثلا، آن را دروازه بهشت و مهبط اشراق الهی می دانند. این افکار را عناصر و عواملی چون شکل قوسدار آن، تعبیه شکل چراغ مسجدی در مرکز آن و قاب بندی آن، با کتیبه های قرآنی از سوره نور، دامن می زنند." (بلخاری، ۱۳۸۸، ص۱۱۶) شکل محراب -قطع نظر از نام آن- ما را به یاد عبارتی دیگر از قران کریم می اندازد. در (سوره نور) که :حضور الهی"در جهان یا در دل آدمی، با نور چراغ در طاقچه (مشکوه) گذاشته شده، مقایسه می شود: (خدا نور آسمانها و زمین است و مثال نور او مانند طاقچه یا چراغدانی است که در آن چراغی است.....)(سوره نور آیه ۳۵) وجود محراب تاکید است بر اینکه چراغی را در زاویه نیایش آویزند.

محراب مسجد جامع ارومیه و تزئینات آن

تصویر۴: محراب گچبری و منقش مسجد

محراب مسجد جامع ارومیه به تاریخ (۶۷۶ه.ق/۱۲۷۷ م) در زمان ایلخانی آباقاخان مغول ساخته شده و بلندی آن ۷ متر و ۸۲ سانتی متر است. این محراب در ضلع جنوبی شبستان به صورت برجسته و الحاقی قرار گرفته که در ردیف قدیمی ترین، پرکار ترین و بزرگترین محراب های گچبری ایلخانی و شاهکاری بی نظیر از حیث تکنیک و تزیین است.گچبری بسیار زیبای آن شبیه به پارچه توری است.

از جمله مهمترین روشهای تاریخ گذاری دوره ساخت بناهای مختلف و به ویژه مساجد تزئینات و به خصوص کتیبه های به کار رفته در آنها است. که براساس نوع خط، تزئینات خط و تاریخهای ذکر شده در برخی از تزئینات و کتیبه ها می توان به سیر تاریخی مسجد پی برد.(خودداری نائینی، پاک نژاد، ۱۳۸۹، ص۱۱۱)

"مسجد جامع ارومیه یا رضائیه شامل زیباترین گچبری محراب مغولی است که این محراب از نظر گچبری و خطوط در زمره زیباترین آثار هنری است که در قسمت پائین دو ستون گچبری دارد.(بزرگ نیا، ۱۳۸۳،ص۷۵) از شکاف های این محراب قطعات کوچک محراب گچی قدیمی دیده می شود که بدین ترتیب معلوم می شود این محراب بر روی محراب قدیمی تری اجرا شده است.

بخشهایی از این محراب آسیب دیده و دوباره بازسازی شده چرا که به دلیل استحکام کم ماده مورد استفاده که گچ بوده، مانند سایر نمونه های محرابهای گچبری آسیب دیده و یا به کلی از بین رفته اند و دوباره در دوره های بعدی بازسازی شده اند. این محراب، با مساحتی حدود ۶۰ متر (۷/ ۸۲ × ۴۸ /۵ متر) با طرح‌های متنوع هندسی و خطوطی با نقش و نگارهایی ظریف به صورت بسیار حساب شده تزیین و گچبری شده است. زمینه ی توری مانند و مشبک آن با گوی های نیم برجسته، با چنان مهارت و استادی ساخته شده که در ذهن انسان، تارهای ابریشمی را تداعی می کند. مهارت فنی ای که در ساختمان محراب دیده می شود، در نوع خوب بی نظیر است و طرحهای آن مفصل تر و پیچیده تر از نمونه های دوره ی سلجوقی است. در قسمت پایین محراب، دو ستون گچبری و در وسط آن، کتیبه های قرآنی و تاریخی قرار داد . " محرابهای اسلامی اغلب دو طاقنمای مجوف دارند که هر قوس طاقنما دارای دو ستون و هر ستون دو سرستون دارد، این ستونها می توانند به صورت تزئینی باشند و یا دارای ستونهای گچبری شده واقعی باشند. کتیبه محرابها از پائین سمت راست شروع و به سمت چپ ادامه می یابد. کتیبه های دوره های اولیه درشتر و بدون نقطه هستند و در دوره های متاخر ظریفتر می شوند. کتیبه ها در یک یا دو ردیف نوشته می شوند و اندازه و نوع خط آنها (از محقق ، ثلث، کوفی و کوفی بنایی) متفاوت است. آیات استفاده شده در محرابها، آیات مربوط به نماز، سوره های مورد استفاده در نماز(حمد و توحید)سوره جمعه و سوره های مهم قران مثل یاسین و یا آیاتی همانند آیه ۱۸ سوره توبه در خصوص تعمیر وآبادانی و ساخت و ساز و مساجد و آیات مبارکه آیه الکرسی از سوره بقره هستند. "(خودداری نائینی ، پاک نژاد، ۱۳۸۹، ص۱۱۲)

در این محراب نیز کتیبه ای به خط رقاع است که استاد کار محراب را معرفی می کند : ((عمل عبد المومن بن شرفشاه النقاش التبریزی فی شهر ربیع الاول سنه سته سبعین و ستمائه ۶۷۶)) همچنین کتیبه های متعدد کوفی، نسخ و ثلث نیز در محراب مسجد جامع ارومیه به چشم می خورد. خط، کتیبه بر زیبایی و جذابیت محرابهای گچبری شده می افزاید؛ که محراب اولجایتو"(۷۱۰ ه.ق) اصلتا سرمشقهای آذربایجانی دارند؛ مثل محرابهای گچبری شده با کتیبه های کوفی، رقاع و نقشمایه های هندسی پرکار در مساجد جمعه تبریز، مرند و ارومیه. به نظر می رسد که محراب مسجد جامع تبریز (حدود ۶۰۰ه.ق) سرمشق محرابهای مساجد جامع ارومیه (۶۷۶ه.ق) و مرند (۷۳۱ه.ق) بوده است. (آجورلو،۱۳۸۹، ص۶)

۱۲- بررسی تزئینات و نقشمایه های مورد استفاده در محراب مسجد جامع ارومیه

تصویر۵: نمای کلی محراب و تزئینات اسلیمی وکتیبه ای

"در دوره اسلامی با توجه به منع شرعی صورتگری، هنرمندان مسلمان زیباترین نقوش انتزاعی را جهت تزئین بناهای مذهبی پدید آوردند. از طرفی به دلیل اهمیت پیام الهی قرآن برای مسلمین، عنصر خط عربی وارد تمام شئون زندگی مسلمین از جمله تزئینات صنایع و معماری شد."(صاحبی بزاز، ۱۳۸۹، ص۶۹) محراب مسجد جامع ارومیه با عنصر گچ و نقوش و عناصر سنتی چون اسلیمی، ختایی وکتیبه تزئین یافته است. استفاده از گچ در تزئینات مساجد و به ویژه محراب در دوران سلجوقیان و ایلخانان مغول رواج داشته است. شاید به دلیل انعطاف ماده گچ در ترسیم نقوش ظریفی چون اسلیمی ها، ختایی ها و خوشنویسی اسلامی از این ماده در زیباترین، ظریفترین محرابها استفاده شده است. (خودداری نائینی، پاک نژاد، ۱۳۸۹، ص۱۱۳)

گچبری های مورد استفاده در بناهای معماری مضامین بسیاری داشته اند، از جمله این مضامین همان نقوش اسلیمی و کتیبه های کوفی هستند. (اعظمی، ۱۳۹۲، ص۱۹)

تصویر۶- بخش مرمت شده تزئینات(اسلیمی مجوف با گره های هندسی) محراب

محراب‌های گچبری شده نیز به علت انعطاف ماده گچ زمینه آسانتری برای ایجاد نقوش دارند. در بناهای دوران سلجوقیان استفاده از خط کوفی با تزئینات گل و بوته و خط نسخ به وفور دیده می شود و در مرحله بعدی از خطوطی چون نسخ و ثلث به دلیل نرمش به جای خط کوفی مورد استفاده قرار گرفت. محراب‌های دوره ایلخانی با شیوه های مختلف گچبری چون برجسته، برهشته(بیرون زده)، زبره، مطبق و مجوف، همراه با نقوش پرکار و پیچ و خم شامل انواع گره های هندسی، آژده کاریهای ظریف و متنوع (ایجاد اشکال ریز هندسی)، اسلیمی های طوماری و ماری و گل‌ها و برگهای فراوان با مهارت تمام اجرا گردیده اند. استفاده از نقوشی چون طرح درختان مو، انار، انجیر، نخل، برگ های کنگر و مو که در دوران ساسانی مورد استفاده بوده، این بار در ترکیب با طرحهای اسلیمی در دوران اسلامی برای تزئین مورد استفاده قرار می‌گیرند. (اعظمی، ۱۳۹۲، ص۲۲)

تصویر۷: نمونه ای از نقوش اسلیمی مجوف

در محراب مسجد جامع ارومیه نیز از گچبری استفاده شده که با نقوش اسلیمی، ختایی و خوشنویسی تزئین یافته اند؛ چرا که در محرابهای گچی از برگ‌های تاک، برگ درخت مو، نقوش اسلیمی و بوته های کوچک و بزرگ برگرفته از دوران ساسانی و به همراه نقوش هندسی استفاده شده است. همچنین حاشیه محرابها با کتیبه نگاری تزئین یافته است که نمونه زیبای ان در محراب مسجد جامع ارومیه دیده می شود. (صاحبی بزاز، ۱۳۸۹،ص۷۱)

در این محراب در قسمتهای مختلفی چون تزئینات ستون‌ها، در تلفیقی زیبا با نقوش هندسی و همچنین لابلای خطوط خوشنویسی و متن به صورت تزئینی از نقوش اسلیمی استفاده شده است. طرح آرابسک یا اسلیمی، یعنی طرحی که منسوب به اعراب و مسلمانان یا اختراع آنان و یا مورد استفاده آنان است(زمانی،۱۳۵۲،ص۱۷)

آرابسک نوعی تزئین گیاهی بوده که با علایم قراردادی به صورت تجریدی و انتزاعی در آمده است. در بیان مفاهیم نمادین این نقش می توان گفت که دارای ریشه گیاهی بوده و نمودی از طرح درخت و ساقه ها و شاخه های آن بوده که تشکیل یافته از یک ریتم پیچیده، پیوسته، منطقی می باشد.

تصویر۸: اسلیمی مجوف به کار رفته در حاشیه محراب

"هنر شناسان نقوش اسلیمی را برگرفته از مظاهر طبیعت مانند گل و بته ها و شاخ و برگ درختان و میوه هایی مانند امرود و انار می دانند که برای پرهیز از شبیه سازی و شبیه نگاری (رقابت با خالق)، آن را برساو استرلیزه کرده اند. نقش اسلیمی متداول در گچبری های اسلامی را اکثرا نقوشی چون اسلیمی های دهان اژدری، خرطومی، شاخ و برگ درخت تاک و خوشه های انگور، برگ کنگر و برگ گل و گلدان و بته ها و برگ های مدور، برگ نخل و میوه کاج و امرود و انار تشکیل می دهند.(اعظمی و دیگران، ۱۳۹۲،ص۱۹) این نگاره در ابتدا در آثار دوره های پیش از ایران دیده شده که در دوره اسلامی کمال یافت. از دوره‌های سلجوقی و تیموری نام اسلیمی را پذیرفته است.(ندیم، ۱۳۸۶، ص۱۷)

نقوش اسلیمی محراب‌ها نیز برگرفته از طبیعت و عناصر طبیعی بوده که به صورت نقوش ساده گیاهی به کار رفته اند. در محراب مسجد جامع ارومیه در فرورفتگی محراب و همچنین در ستون‌های کناری و مابین خطوط خوشنویسی شده به صورت مارپیچی از نقش اسلیمی استفاده شده است.

تصویر۹: ستون کناری محراب به همراه تزئینات مشبک و اسلیمی های مجوف

تصویر۱۰: سرستون کناری محراب با تزئینات اسلیمی

در این محراب به دلیل رواج اسلیمی مجوف در دوران ایلخانان از این نوع اسلیمی استفاده شده است. اسلیمی های مورد استفاده در محراب مسجد به شکل مجوف و با تزئینات ختایی آرایش یافته اند. این نقوش مشبک بوده که موجب زیبایی دو چندان آن شده و از حجم سنگین محراب کاسته است.

استفاده از نقوش اسلیمی مابین خطوط خوشنویسی بر زیبایی خطوط افزوده و موجب تلفیق و یکدستی خطوط و نقوش اسلیمی شده است و در کل محراب با نقوشی یک دست و یکنواخت دیده می شود.(ندیم، ۱۳۸۶، ص۱۷)

تصویر۱۱: اسلیمی مجوف مورد استفاده در محراب

تصویر۱۲: تزئینات اسلیمی زینت بخش بدنه ستون کناری محراب

۱۲-۱- خوشنویسی و کتیبه نگاری

"هنر کتیبه نگاری در صدر اسلام به منظور هویت بخش دینی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و هنری، همواره مدنظر مسلمانان بوده است. وجود کتیبه ها در معماری اسلامی از خصایص بارز هر بنایی است که با هماهنگی و تلفیق نقش های هندسی، خوشنویسی و رنگ ها، محیطی با شکوه همراه با خلوص معنوی پدید می آورد"(راهپیما،۱۳۹۲، ص۱۳)

در کتیبه‌های گچبری مانند سایر نمونه های کتیبه، استفاده از خوشنویسی وجود دارند که در این نوع از کتیبه ها از خطوطی چون کوفی، نسخ، ریحان و ثلث در بناها و محرابها استفاده شده است. به ویژه در دوران ایلخانی کتیبه های دینی و تاریخی با تنوع چشمگیری از خط و رنگ و فن وجود دارد.

تصویر۱۳: محراب مسجد جامع با تزئینات اسلیمی و کتیبه بالایی به خط نسخ یا ثلث

تصویر۱۴: تزئینات کتیبه ای اطراف محراب

انواع خطوط نسخ، ثلث کوفی و نستعلیق با شیوه های مختلف برجسته کاری و کنده کاری عمیق کم عمق و همراه با رنگ های متفاوت .... دیده می شود. از عناصر مورد توجه در محراب، به کارگیری کتیبه های خطی است. که همراه با تزئینات گیاهی در انتها حروف و زمینه ظاهر می شد. علاوه بر آن خط ثلث نیز برای اولین بار در کتیبه ها ظاهر گردید. (مکی نژاد، ۱۳۸۷، ص۱۵۶) بهترین نمونه ی کتیبه ها در محرابها دیده می شود و شکل جالب توجهی از آن در دوره ایلخانی، استفاده از خط مضاعف در کتیبه هاست.

تصویر۱۵: قسمت بالایی با خط کوفی و قسمت پائینی با خط نسخ

تصویر ۱۶: خط ثلث کتیبه دیوار کناری محراب

از شاخص ترین محراب‌های این دوره محراب اولجایتو در مسجد جامع اصفهان، محراب مسجد جامع ارومیه(۶۷۶ه) و.. است.(مکی نژاد، ۱۳۸۷، ص۱۶۰۱۶۱) در محراب مسجد جامع ارومیه از عناصر سنتی و اسلیمی ها و ختایی های که در هنر سنتی رواج دارد استفاده شده است. از دیگر تزئینات دیوارهای اطراف و خود محراب می توان به استفاده گسترده از انواع خطوط اسلامی- ایرانی اشاره نمود. در نقاط مختلف استفاده از این عناصر دیده می شود.

متن مورد استفاده در بیشترین محرابهای گچبری و به ویژه محراب مسجد جامع ارومیه بیشتر آیات قران بوده که در کتیبه های اتاقهای اطراف و شبستان و به ویژه محراب این بنا از خطوط کوفی و ثلث و نسخ و.. به وفور و زیبایی استفاده شده است. به ویژه در محراب زیبای آن به دلیل انعطاف پذیری عنصر گچ می توان انحنای حروف و گل و بوته ها را به زیبایی نمایش داد.

تصویر ۱۷: خط نسخ یا ثلث با پیچکها و تزئینات اسلیمی

هماهنگی زیبا بین خطوط اسلامی و انحنای نقوش اسلیمی در کتیبه ها به زیبایی نمایش داده شده است. در کتیبه نگاری در اطراف محراب و ستونهای اطرافی معمولا یکی یا دو آیه از هر سوره را پشت سر هم شامل می شود و یا قسمت طولانی از یک سوره بوده اند. کتیبه ها معمولا از قسمت پائین سمت راست محراب شروع می شوند.(صاحبی بزاز، ۱۳۸۹، ص۷۲)

کتیبه های اطراف محراب مسجد جامع ارومیه نیز از این قاعده جدا نبوده و به زیبایی در اطراف و ستونهای کناری با خط زیبای نسخ و کوفی زینت بخش محراب شده اند. چرا که خط کوفی از جمله خطوطی است که در کتیبه های بناها استفاده شده و به صورت فرمهای جدیدی کاربرد داشته اند....و کتیبه نگاری با خطوط گوناگون چون کوفی، ثلث و نستعلیق و نسخ در مساجد بسیاری و از جمله مسجد جامع ارومیه استفاده شده.(راهپیما، ۱۳۹۲،ص۱۵)

نتیجه‌گیری

مساجد از جمله نمودهای بارز هنر اسلامی در تمامی سرزمینهای اسلامی و به ویژه ایران می باشند. علاوه بر ساخت بنای مسجد، آراستن و زینت دادن به آن نیز از جمله مهمترین امورات مسلمانان به دلیل ارزش نهادن به جایگاه انجام فرایض دینی بوده است؛ لذا در بیشتر شهرهای ایران اسلامی مساجد جامع باشکوهی با تزئینات ویژه ای در بخشهای مختلف خود و به ویژه محراب که از جمله مهمترین تجلی روح الهی می باشد، جلوه نموده است. مسجد جامع ارومیه و از جمله محراب زیبای آن زبانزد همگان بوده است. این مسجد متعلق به دوران سلجوقی بوده که بعدها محراب کنونی آن در دوران ایلخانی بر بقایای محرابهای قبلی ساخته شده است.

با توجه به بررسی های انجام گرفته نتایج زیر حاصل شده است:

- این مسجد تزئینات زیبایی در بخشهای مختلف و به ویژه محراب زیبای گچبری خود داشته است. بخشهای مختلف این مسجد عبارتند از: شبستان گنبد دارقدیمی، محراب موجود در داخل شبستان گنبد دار، چهل ستون قدیمی متصل به شبستان گنبد دار، حجره های قدیم اطراف صحن مسجد، قسمت های نوساز اطراف صحن
- در بخش دوم بررسی ها به مطالعه پیرامون محراب گچبری این بنا و تزئیات ان پرداخته شده که نتایج زیر حاصل شده است: محراب مسجد جامع ارومیه در ضلع جنوبی شبستان به صورت برجسته و الحاقی قرار گرفته و به تاریخ ۶۷۶ هجری قمری در زمان ایلخانی آباقاخان مغول ساخته شده و در که در ردیف قدیمی ترین و بزرگترین محراب های گچبری دوران ایلخانی از حیث تکنیک و تزیین است. این محراب دارای مساحتی حدود ۶۰ متر (۸۲ /۷ × ۴۸ /۵ متر) با طرحهای متنوع هندسی و خطوطی با نقش و نگارهایی ظریف تزیین شده است. تزئیات این محراب شامل دو ستون گچبری در قسمت پایین محراب، و در وسط آن، کتیبه های قرآنی و تاریخی قرار دارد و نیز کتیبه های متعدد کوفی، نسخ و ثلث نیز در محراب به چشم می خورد.
- همانطور که بیان شد، محراب مسجد جامع ارومیه با عنصر گچ و نقوش و عناصر سنتی چون اسلیمی، ختایی وکتیبه تزئین یافته است. چرا که استفاده از گچ در تزئینات مساجد و به ویژه محراب در دوران سلجوقیان و ایلخانان مغول رواج داشته است. همچنین در محراب مسجد جامع ارومیه در فرورفتگی محراب و همچنین در ستونهای کناری و مابین خطوط خوشنویسی شده به صورت مارپیچی از نقش اسلیمی استفاده شده است.
- اسلیمی های مورد استفاده در محراب مسجد به شکل تو پر بوده که با تزئینات ختایی آرایش یافته اند. این نقوش مشبک هستند و به صورت پارچه طوری دیده می شوند و از حجم سنگین محراب می کاهند. استفاده از نقوش اسلیمی

مابین خطوط خوشنویسی بر زیبایی خطوط افزوده و موجب تلفیق و یکدستی خطوط و نقوش اسلیمی شده است و در کل محراب با نقوشی یک دست و یکنواخت دیده می شود.

- متن مورد استفاده در محراب مسجد جامع ارومیه بیشتر آیات قرآن بوده که در کتیبه های اتاقهای اطراف و شبستان و به ویژه محراب این بنا از خطوط کوفی و ثلث و نسخ استفاده شده است. در اطراف و ستونهای کناری محراب جهت تزئین از خط زیبای نسخ و کوفی استفاده شده است.

منابع

۱. آجورلو، بهرام، ۱۳۸۹، درآمدی بر سبک معماری آذربایجان، تهران، باغ نظر، شماره ۱۴، صص۳-۱۴.
۲. آزاد، م، سلامی، اسماعیل، ۱۳۸۶، اصفهان نگین جهان، تهران، انتشارات هنر سرای گویا.
۳. اشتری، حبیبی،حسن، ۱۳۹۲، مساجد دیرینه سال استان آذربایجان غربی، تهران، انتشارت بنیاد ایران شناسی.
۴. البهنسی، عفیف، ۱۳۸۷، هنر اسلامی، ترجمه: محمد پورآقاسی، تهران، انتشارات سوره مهر.
۵. الرفاعی، انور، ۱۳۷۷، تاریخ هنر در سرزمینهای اسلامی، ترجمه: عبدالرحیم قنوات، مشهد، انتشارت جهاد دانشگاهی مشهد.
۶. اعظمی، زهرا، شیخ الحکمایی، محمد علی، شیخ الحکمایی، طاهر، ۱۳۹۲، مطالعه تطبیقی نقوش گیاهی گچبری های کاخ تیسفون با اولین مساجد ایران، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۸، شماره ۴.
۷. اولگ،گرابر، هیل، درک، ۱۳۷۵، معماری و تزئینات اسلامی، ترجمه: مهرداد وحدتی دانشمند.
۸. برند، باربارا، ۱۳۸۳، هنر اسلامی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی.
۹. بزرگ نیا، زهره، ۱۳۸۳، معماری ایران، انتشارات اداره کل آموزش، سازمان میراث فرهنگی.
۱۰. بلخاری، حسن، ۱۳۸۸، سرگذشت هنر در تمدن اسلامی، پژوشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۱. بورکهارت، تیتوس، ۱۳۶۵، هنر اسلامی و زبان و بیان، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، سروش، ص۹۶-۹۷
۱۲. حاتم، غلامعلی،۱۳۷۸، معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان، تهران، جهاد انشگاهی.
۱۳. حلیمی، محمدحسین، ۱۳۹۰، زیبایی شناسی خط در مسجد جامع اصفهان، انتشارات قدیانی، چاپ اول.
۱۴. خوددار نائینی، سعید، پاک نژاد، مهدی، ۱۳۸۹، بررسی تزئینات محراب مسجد جامع نائین، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم، صص۱۱۱-۱۳۲.
۱۵. راهپیما، غلامرضا، ۱۳۹۲، از الفبا تا هنر، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و موسسه نشر آثار هنری متن.
۱۶. زمرشیدی، حسین، ۱۳۸۸، مسجد در معماری ایران، انتشارات نشر زمان.
۱۷. سجادی، علی، ۱۳۷۵، سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران، از اغاز تا ...، تهران، ناشر سازمان میراث فرهنگی.
۱۸. صاحبی بزاز، منصوره، ۱۳۸۹، خط و مضمون در کتیبه های محراب های گچ بری بناهای سلجوقی، مطالعات هنر اسلامی، ص۶۹-۸۸.
۱۹.)عبداللهی، عبدالکریم، هنر و معماری مساجد، نگاهی به تزئین محراب.
۲۰. کیانی، محمد یوسف، ۱۳۷۹، تاریخ هنر و معماری ایران در دوران اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها – سمت.
۲۱. یاوری، حسین، ۱۳۸۸، سیری در هنر و معماری ایران، تهران، انتشارات سیمای دانش.
۲۲. ندیم، فرناز، ۱۳۸۶، نگاهی به نقوش تزئینی در هنر ایران، مجله هنر، دوره چهارم، شماره ۴،ص۱۷.
۲۳. مایل هروی، نجیب، ۱۳۷۲، کتاب آرایی در تمدن اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۴. مکی نژاد، مهدی، ۱۳۸۷، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی : تزئینات معماری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

Visual reflection of Islamic art in Urmia Jame Mosque (reviewing the embetllishments of Mihrab of Jameh Mosque of Urmia)

Maryam motafakkerazad[1*], Sahar zekavat[2]

1- Ph.D.Candidate Islamic Art,Faculty member of Tabriz Islamic Art university
2- Islamic art master student. Miniature trend. Shahed university
m.motafakker@tabriziau.ac.ir

Abstract:

the Islamic Iran art is one of the main samples of Islamic art. The first and important origin of Iran- Islamic art appearance is the architecture. The mosques are accounted as one of places, that always have been the Islam and in particular Iranian religious aspect. Meanwhile, because of validity and value of mosques and religion particular Iranian religions aspect Meanwhile, because of validity and value of mosques and religion in Iran, always, embellishments of them has been one of the main concerns of artists and people. The Jameh masque of Uromieh and it's graceful Mihrab like as most of Jameh masques throughout Iran, is one of Iranin- Islamic architectural artworks. In the present research, we try to introduce given mosque and it's embellishments in the architecture in patricidal it's Mehrab. This research is the respond to this main question, which research is the respond to this main question, which characteristics and embellishments have been used in the research, it could be said, the Jame mosque of Urmia is one of Seljuki era's constructions, could refer to old damed hall, Mihrab inside. The domed hall and other parts. The mosque, has friezed graceful Mihrab which has been one of the oldest, complex and biggest Ilakhanian friezed Mihrab has been constructed in Ilakhanian era and was located on south friezed Mihrabs. The Mherab has been constructed in Ilakhanian era and was located on south side of hall. With regard to it's graceful Mihrab and ornamentations, such as chirography type, calligrephical. ornaments and engraved dates on same of ornaments and inscriptions could find it's historical course. The Mihrab of Jameh masque of Urmia has been ornamented by elements such as chalk and traditional bas-relief and components including Eslimi, Khalae and inscription.

Keywords: Architecture, Jameh mosque of Iran, Mihrab, friezing, ornamentation